

معرفی کتاب

کاغذهای اسلامی (بررسی یکی از صنایع باستانی)

ندا رسولی^۱



کاغذهای اسلامی (بررسی یکی از صنایع باستانی)
نوشته: هلن لاودی
ترجمه: زهرا ضرغامی
ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی
ایران، ۱۳۹۶، ۱۳۵ ص.

هلن لاودی در مقدمه کتاب به این نکته اشاره کرده که این کتاب را به یاد دان بیکر و در ادامه کار وی برای شناخت انواع کاغذ نوشته است. دان بیکر، مرمت‌گر کاغذ، آثار هنری و نسخ‌خطی اسلامی بوده که در حین کارهایی که انجام می‌داده، متوجه تفاوت‌هایی بین کاغذهایی شده است که در دوران‌های مختلف و در مناطق

متفاوت، تولید شده بودند و همین مسئله سرآغازی می‌شود برای اینکه دان بیکر به دنبال منشأ و

۱. کارشناس ارشد تاریخ، پژوهشگر پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

nedarasouli@yahoo.com



تاریخ کاغذها و تأثیر آن بر نوع کاغذ باشد. برای این کار، بیکر روش نظام‌مندی برای تحلیل کاغذها طراحی می‌کند اما متأسفانه قبل از اینکه بتواند کار خودش را به اتمام برساند، از دنیا می‌رود. ادامه کار به خانم لاودی سپرده می‌شود.

وی برای اینکه بتواند این کار را به درستی انجام بدهد تدوین این کتاب را با مروری بر کاغذسازی در جهان اسلام شروع می‌کند. پیشینه‌ای از کاغذ و روش‌های ساخت آن در بلاد اسلامی ارائه می‌دهد و سپس با استفاده از روش ابداعی دان بیکر، به مقایسه کاغذها با یکدیگر می‌پردازد.

کتاب در دو بخش تدوین شده است: بخش اول به تاریخچه کاغذسازی اسلامی می‌پردازد و بخش دوم به تحلیل نظام‌مند کاغذهای ایرانی و کاغذهای سوری-مصری اختصاص پیدا کرده است. بخش اول کتاب از ۴ فصل تشکیل شده است. موضوعاتی که در این بخش مطرح شده‌اند به ترتیب معرفی مواد نوشتاری پیش از ساخت کاغذ، کاغذسازی در بلاد اسلامی، ماهیت کاغذ و تولید آن و مشخصه‌های کیفی کاغذ است. در فصل اول این کتاب نویسنده راجع به استفاده از مواد مختلف برای نوشتن صحبت می‌کند. همچنین نویسنده به اینکه در سال‌های پیش از ظهور اسلام و سال‌های اول پس از ظهور آن، از پارشمن، پایپروس، چوب، پوست درخت، برگ درختان مخصوصاً برگ درخت نخل، سنگ‌های صاف، تکه‌های سفال و استخوان کف شتر برای ثبت و انتقال پیام‌های مکتوب، استفاده می‌شد، اشاره کرده است. در جهان اسلام کاتبان و دانشمندان از پارشمن و پایپروس استفاده می‌کردند و در قرآن هم به استفاده از این مواد اشاره شده است. در ادامه این فصل پیشینه استفاده از پایپروس و پارشمن و نحوه ساخت آن‌ها به تفصیل بیان شده است.

فصل دوم کتاب که درباره کاغذسازی در جهان اسلام است با مقدمه‌ای درباره نحوه ورود کاغذ به ایران شروع می‌شود. توضیحاتی درباره شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه ارائه می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که به علت شرایط سخت جغرافیایی محل برای رفت‌وآمد، فرضیه ورود کاغذ به ایران از راه تجارت یا راه‌های مرسوم مبادلاتی ممکن نبوده است. نویسنده می‌گوید تنها راه ورود کاغذ به این منطقه را می‌توان از طریق اسرای چینی در نظر گرفت که پذیرفته بودند در قبال بخشش جان خود، فنون کاغذسازی که را تا آن روز از دیگران مخفی نگه داشته بودند به ایرانیان بیاموزند. در ادامه این فصل به ساخت کاغذ در سمرقند و رواج کاغذسازی و استفاده از کاغذ به عنوان ماده نوشتاری، در ایران پرداخته شده است.

فصل سوم کتاب به موضوع ماهیت کاغذ، ویژگی‌ها و تولید آن اختصاص پیدا کرده و نویسنده ماهیت کاغذ را بر اساس جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده است؛ از جمله: ویژگی‌های مکانیکی کاغذ، ویژگی جذب‌کنندگی کاغذ و ویژگی‌های نوری کاغذ. در ادامه فصل مواد و روش‌های کاغذسازی معرفی شده‌اند: مواد خامی که برای تولید کاغذ استفاده می‌شده است، روش جداسازی الیاف خمیر، قالب‌های مورد استفاده در کاغذسازی (قالب ریزبافت و قالب خطدار)، موادی که برای



ساخت قالب به کار می‌رفته، روش‌های خشک کردن کاغذ و آهارزنی کاغذ به تفصیل در این فصل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یکی از نکات برجسته این کتاب، استفاده نویسنده از اشعار سوزنی سمرقندی و مولانا سلطانعلی مشهدی برای به تصویر کشیدن ساخت کاغذ و مراحل آن است.

فصل چهارم، اختصاصاً به بررسی مشخصه‌های کیفی کاغذهای اسلامی اختصاص پیدا کرده است. در ابتدا توضیح داده شده است که کیفیت کاغذ به نوع الیاف استفاده‌شده برای تولید آن بستگی دارد. الیاف استفاده‌شده شامل بذرها (پنبه و کتان)؛ الیاف لیفی (بذرک، کنف، کنف هندی، رامی)؛ الیاف چوبی (چوب کاج و درختان برگ ریز پاییز)؛ الیاف برگ‌گی شکل (جگن، مانیل، سیسال)؛ و علف‌ها (کاه، خیزران، نیشکر، ساقه ذرت). به طور سنتی، کاغذهای اسلامی از ترکیب کتان و کنف ساخته شده و موجب نرمی، استحکام، پرحجمی، تاری، دوام و جذب‌پذیری ورق می‌شد.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار، نوع مواد اولیه به کاررفته بوده است که بر جذب‌پذیری و استحکام کاغذ اثر داشته است. دوام کاغذ به ساختار ورق، روش ساخت و محیط تولید و ذخیره سازی آن هم، بستگی داشته است. در ادامه تقسیم‌بندی کاغذ بر اساس کیفیت آن «کاغذ دفتری (کاغذ معمولی)، کاغذ خام (کاغذ خام یا پالایش نشده) و کاغذ کاهی (کاغذ کاهی به معنای ورق‌های کم کیفیت)»، بر اساس روش ساخت کاغذ و استفاده‌ای که قرار بوده از آن بشود «کاغذ آهار مهرآب (کاغذ جلادیده)، کاغذ برقی (کاغذ براق)، کاغذ تحریر (کاغذ نوشتنی)، کاغذ چرب (کاغذ صاف) و کاغذ مشق (کاغذ تمرین یا خوشنویسی)» و نامگذاری کاغذ براساس محل تولید آن (اصفهانی، بغدادی، دولت‌آبادی، سمرقندی، شامی و هندی) مورد بحث قرار گرفته است. رنگ کاغذ، اندازه کاغذ و تهنقش‌ها نیز در این فصل بررسی شده‌اند. بخش دوم کتاب که به تحلیل نظام‌مند کاغذهای ایرانی در مقایسه با کاغذهای سوری-مصری اختصاص دارد از سه فصل تشکیل شده است.

اولین فصل از این بخش (فصل پنجم کتاب) قراردادهای طبقه‌بندی کاغذ را ارائه می‌دهد. در این فصل مفهوم کیفیت کاغذ، ضخامت، مشخصه‌های سطحی (رنگ طبیعی و پرداخت سطح کاغذ)، کیفیت خمیر، ساختار قالب، مشخصه‌های خطوط زنجیری، مشخصه تهنقش‌ها و سایه‌های شیباری معرفی شده‌اند.

فصل ششم کتاب، کاغذهای ایرانی و کاغذهای سوری-مصری را بر اساس این ویژگی‌های، به تفصیل توصیف و تعریف می‌کند.

فصل هفتم کتاب به نتیجه‌گیری مطالب بیان شده اختصاص داد.

در انتها جدول مقایسه کاغذهای ایرانی و کاغذهای سوری-مصری بر اساس ویژگی‌های تعیین شده، ارائه شده است. این جدول‌ها که بازه زمانی قرن ششم هجری تا قرن دوازدهم را پوشش می‌دهد به خواننده کمک می‌کند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به تمام اطلاعاتی که درباره کاغذهای



- ایرانی و کاغذهای سوری- مصری که در این بازه زمانی ساخته شده‌اند، دست پیدا کند.
- در خصوص تألیف این کتاب می‌توان گفت که نویسنده تا حدود زیادی توانسته به هدف اصلی خود برسد و ضمن بیان اهمیت کاغذ، سرگذشت آن را در دنیای اسلام به‌عنوان ابزاری که جوامع و ملت‌ها برای رسیدن به رشد و پیشرفت از آن استفاده کرده‌اند، نشان دهد. از دلایل اهمیت این کتاب می‌توان به این نکته اشاره کرد که کتاب حاضر جزو محدود کتاب‌هایی است که کاغذهای اسلامی را از نقطه‌نظرهای گوناگون بررسی کرده و پیرامون نقش آن در حوزه نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی سخن گفته است. با توجه به نکات گفته‌شده می‌توان گفت که این کتاب برای نسخه‌نویسان، کتابداران، مورخان و دیگر پژوهشگران، به‌عنوان کتابی مرجع برای تحقیقات پژوهشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.
- یکی دیگر از نقاط قوت کتاب حاضر، به ترجمه روان، سلیس و امانت‌داری مترجم باز می‌گردد. علی‌رغم ترجمه روان و قوی، متأسفانه در متن کتاب ایراداتی مشاهده شد که در اینجا به اهم آن‌ها اشاره می‌شود. انشالله در چاپ بعدی کتاب به این نکات توجه شود.
- کتاب بدون مقدمه مترجم شروع شده است. در صورتی که بهتر بود مترجم در مقدمه‌ای به مواردی چون: چگونگی آشنایی با کتاب و تهیه آن، دلایل انتخاب کتاب برای ترجمه و مشکلات احتمالی در راه ترجمه، اشاره می‌کرد.
 - در بخش‌بندی فصول کتاب از شیوه‌ای واحد تبعیت نشده است.
 - تصاویر کتاب از کیفیت خوبی برخوردار نیست. در صفحه‌بندی کتاب اندازه عکس‌ها در دو صفحه مقابل یکسان نیست و گاهی به نظر می‌رسد برای پر کردن صفحه، عکس‌ها کشیده شده است (برای نمونه در تصاویر صفحات ۶۳ و ۵۹ و ۹۶-۹۷ و ۱۰۴-۱۰۵).
 - در توضیحات و زیرنویس عکس‌ها اسم عکاس به زبان و خط انگلیسی (به‌جای صورت فارسی آن) آورده شده است.
 - در صفحه ۳۵، تاریخ فوت میکائیل غزیری (در عربی: مخایل الغزیری) به خط ۱۷۱۹ آمده که ۱۷۹۱ م. صحیح است.
 - کلمات انگلیسی درون متن از نظر خط و فونت بهتر است از شیوه‌ای واحد پیروی کند.
 - اندازه و فونت عناوین و زیرمجموعه‌ها در کتاب از شیوه واحد تبعیت نکرده است.
 - غلط‌های املائی اندکی در کتاب راه یافته است مانند: «قراداد» ص ۸۴ (به‌جای: قرارداد) و «سطی» ص ۱۲۵ (به‌جای: سطحی).
 - عکس صفحه ۶۷، یعنی عکس شماره ۵ مربوط به خشک کردن کاغذ، باید در جای مناسب خود یعنی قبل از عنوان آهارزنی در صفحه ۶۶ می‌آمده است.
 - جداول آخر کتاب از نظر اندازه جدول و نوشته‌های داخل آن از روش یکسان پیروی نکرده است.

